



انهدام ۴ هسته تروریستی در جنوب شرق
سربازان گنم امام زمان (عج) در وزارت اطلاعات موفق به انهدام ۴ هسته سازمان یافته گروهک تروریستی آمریکایی. صهیونی شدند. در چند عملیات مشترک با همراهی سپاه و فرابجا در شهرستان های زاهدان، چابهار، ایرانشهر، خاش و نفتان، ۵ نفر از اعضای اصلی تیم های عملیاتی دستگیر و ۲ تروریست نیز به هلاکت رسیدند.



آزادی ۱۲ زندانی به یاد آقای شهید
در آیینی با حضور رئیس کل دادگستری، دادستان مرکز استان و سرپرست زندان های ایلام، ۱۲ نفر از زندانیان نیازمند مالی که مدت ها در زندان بودند به یاد رهبر شهید از زندان آزاد شدند. این زندانیان با کمک ستاد ديه، کمک های خیرین و اعطای ارفاقات قانونی از سوی مراجع قضایی از زندان آزاد شدند.

مراسم وداع، بدون حادثه



سختگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اعلام کرد: تاکنون در مراسم وداع با رهبر شهید هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده است. به گزارش همشهری، سیدجلال ملکی با اشاره به روند برگزاری

مراسم گفت: خوشبختانه تاکنون هیچ حادثه ای در جریان برگزاری مراسم گزارش نشده و برنامه ها با وجود حضور گسترده جمعیت، در نهایت نظم و ایمنی در حال برگزاری است. سختگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه مراسم امروز (یکشنبه) و همچنین مراسم تشییع در پیش است، ادامه داد: امیدواریم در روزهای آینده نیز با همکاری مردم و رعایت نکات ایمنی، مراسم بدون هیچ گونه حادثه ای برگزار شود.

ملکی در پایان از شهروندان، زائران و تمامی شرکت کنندگان در مراسم قدردانی کرد و گفت: از همه زائران و مشایعت کنندگان که با رعایت اصول و توصیه های ایمنی در برگزاری منظم مراسم همکاری دارند، صمیمانه تشکر می کنیم و امیدواریم این همکاری تا پایان مراسم نیز ادامه داشته باشد.

توصیه مهم پلیس

برای شرکت در مراسم تشییع

پلیس فتای پایتخت به شرکت کنندگان مراسم تشییع بیکر رهبر شهید توصیه کرد: در ازدحام جمعیت مراقب گوشی و وسایل شخصی تان باشید و اطلاعات محرمانه شخصی و بانکی خود نظیر تصاویر کارت های شناسایی و کارت های بانکی و حتی شماره کارت های بانکی تان را در گوشی تان ذخیره نکنید.

به گزارش همشهری، پلیس فتای پایتخت در اطلاعیه ای به شرکت کنندگان مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب هشدار داد که در این مراسم هوشیار و آگاه باشند؛ به این معنا که مراقب لینک ها و پیام های مشکوک باشند، فریب تماس های تلفنی که خود را پشتیبان شبکه بانکی، دستگاه های خدمت رسانی و حتی طی مکالمه تلفنی، شخص تماس گیرنده خود را فرزندمان معرفی می کند نخورند. همچنین قبل از هر گونه راز و چه و واگذاری و افشای اطلاعات هویتی و بانکی، شخص تماس گیرنده را صحت سنجی کنند. مردم فریب صفحات و کانال های انتشار دهنده اخبار جعلی را نخورند و هر گونه اطلاعات را از منابع معتبر دنبال کنند.

داخلی

دستگیری ۶ همکار شبکه های معاند در پردیس



روابط عمومی سپاه حضرت سیدالشهدا (ع) استان تهران از شناسایی و دستگیری ۶ نفر از عناصر مرتبط با شبکه های معاند و

ضد انقلاب در شهرستان پردیس خبر داد و اعلام کرد: این افراد پس از رصد های اطلاعاتی و با دستور قضایی بازداشت شدند. به گزارش همشهری، متهمان با برخی شبکه های معاند و ضد انقلاب در ارتباط بوده و اقدام به ارسال محتوا و تبادل اخبار با این شبکه ها می کردند. همچنین در بررسی های انجام شده مشخص شده است که این افراد با خط گیری از عوامل معاند، در صدد القای فضای نا آرامی و تشویش افکار عمومی بوده اند.

شناسایی این افراد در پی رصدهای اطلاعاتی مستمر، دقیق و شبانه روزی انجام شد و پس از تکمیل مستندات و طی مراحل قانونی، با اخذ دستور مقام قضایی، عملیات دستگیری متهمان در چند مرحله و به صورت جداگانه انجام شد و افراد یاد شده برای سیر مراحل قانونی در اختیار مراجع ذیصلاح قرار گرفتند.

نجات پسر ۱۱ ساله از چنگال گروگان گیر

رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان زنجان از شناسایی و دستگیری عامل گروگانگیری پسر ۱۱ ساله خبر داد.

به گزارش همشهری، سرهنگ محسن غنیمتی گفت: در پی دریافت خبری مبنی بر گروگانگیری پسر ۱۱ ساله در زنجان، بلافاصله با هماهنگی دادستان زنجان و بسیج همه امکانات و به کارگیری تیم های مجرب و ویژه ای از مأموران، رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. وی افزود: با اقدامات فنی و پلیسی و با همکاری دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی، متهم که از رانل و اوباش سابقه دار بوده در کمتر از ۷۲ ساعت در یکی از کوه های صعب العبور زنجان شناسایی و در عملیاتی ضربتی دستگیر شد. این مقام انتظامی ادامه داد: گروگان که پسر ۱۱ ساله بود، در این عملیات آزاد و تحویل خانواده اش شد. به گفته رئیس پلیس آگاهی زنجان متهم در بازجویی های اولیه انگیزه خود از گروگان گیری را اخاذی اعلام کرد و تحقیقات تکمیلی در این باره ادامه دارد.

تلخ ترین شب خزانه



نیمه شب دوازدهم فروردین ۱۳۶۴، جنوب شرق تهران یکی از تلخ ترین شب های دوران جنگ تحمیلی با رژیم بعث عراق را تجربه کرد. ساعت حدود یک ونیم بامداد بود که هوا پیمای های عراقی نقطه ای پایتخت را هدف قرار دادند و خسارت سنگینی بر جای گذاشتند. بیشترین آسیب به محله خزانه بخارایی وارد شد؛ جایی که ده ها خانه و واحد تجاری در اثر انفجار های پی در پی ویران شده یا به شدت آسیب دیدند. میزان تخریب به اندازه ای بود که عملیات امداد رسانی تا صبح بیرون آوردن بیکر شهدا از زیر آوارها تا ساعات بعد از ظهر ادامه داشت. در این حمله، ۳۰ نفر به شهادت رسیدند و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شدند. همچنین ده ها ساختمان مسکونی و تجاری به طور کامل از بین رفت و موج انفجار به شعاع صدها متر خسارت وارد کرد.

ساکنان قدیمی هنوز آن شب را به یاد دارند. در آن ایام بسیاری از خانواده ها شهسوارا در کوچه یا نزدیکی پناهگاه ها سیری می کردند تا در صورت شنیدن آژیر خطر، فرصت فرار داشته باشند. با این حال، چند حمله به این محله باعث شده بود مردم احساس کنند خزانه به یکی از اهداف ثابت دشمن تبدیل شده است.

خسارت های انسانی این حمله بسیار سنگین بود. برخی خانواده ها چندین عضو خود را در یک لحظه از دست دادند. در یکی از کوچه های محله، شغفر از اعضای یک خانواده و همسایگان شان بر اثر انفجار جان باختند. در نقطه ای دیگر نیز جمعی از بستگان که برای دیدار خانواده گمی دور هم جمع شده بودند، قربانی حمله شدند.



خداحافظ سالار
«خداحافظ سالار» روایت داستانی برگرفته از خاطرات پروانه چراغ نوروزی، همسر سرلشکر شهید حاج حسین همدانی است. در این کتاب به زندگی و فراز و نشیب های این بانو از کودکی تا شهادت سردار همدانی در سال ۱۳۹۴ پرداخته شده است.



آسمان از روی بل
کتاب «آسمان از روی بل» ماجرای نوجوانی به نام حسام است که برای شرکت در مسابقه انشا با موضوع «دوست تأثیرگذار من» به دنبال سوزنه مناسب است تا اینکه با آقای هوشیار، رزنده جانبا جنگ آشنا می شود و داستان حیدر گلپای، غواص نوجوانی را که در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسیده، می شنود.

شهادت برازنده او بود

شهید احمد حرآبادی فراهانی به روایت پدر و مادر



گزارش

سیده کلثوم موسوی | خبرنگار | در یکی از روستاهای خوش آب و هوای اراک به دنیا آمد؛ روستایی که به مراتب و فئات های متفاوتش می یابید، الان سینه سپر کرده و به احمد، پسر حاج مجتبی حرآبادی فراهانی، افتخار می کند، کما اینکه این روزها دوستانش و اهالی محله کیانشهر تهران هم همسایگی با او را مایه مباهاتشان می دانند. احمد در تلاش برای تحقق آرزوهایش سرانجام موفق شد در ناجا مشغول به کار شود و تا ۴۷ سالگی به کشورش خدمت کرد تا اینکه در ۱۱ اسفند ۱۴۰۴، هنگام خدمت در یگان ویژه نیروی انتظامی محله کیانشهر، بر اثر اصابت موشک به شهادت رسید. روایت های معصومه نظام آبادی، مادر شهید درباره فرزندش خواندنی است.

روایهای کودکی

احمد من از ۲ سالگی بسیجی بود. شاید از شنیدن حرفم تعجب کنید. او تا زبان به حرف زدن گشود و شیرین کاری هایش شروع شد، همراه دایی اش به مسجد محل می رفت تا حاج مجتبی (پدرش) را در لباس رزمنده تماشا کند. پدرش در دوران دفاع مقدس رزمنده بود و وقتی احمد او را در آن لباس می دید، یاد در یک کفش می کرد و با همان شیرین زبانی بیگانه اصرار می کرد که او هم می خواهد رزمند شود. این حرف را همه از زبان احمد شنیده بودند و از همان موقع فرماندهان سپاه و اهالی روستای حرآباد فراهان او را احمد بسیجی صدا می زدند. احمد از همان زمان تا هنگام شهادتش به همین لقب معروف بود. او در بیان روای کودکی اش می گفت اگر بابا شهید شود، من هم به جبهه می روم و آنقدر با دشمنان اسلام می جنگم تا شهید شوم.

توجه آخرت را ببندیم

از خلقیات خویش هر چه بگویم کم گفتم؛ پسر بسیار پاکي بود. اخلاقت بی نظیر بود چه برای خودمان، چه آشنا و غریبه. تودار بود. کم پیش می آمد که مشکلات را بروز دهد. دوست نداشت از مشکلات خودش حرف بزند اما همین که متوجه می شد کسی مشکلی دارد تلاش می کرد تا گره از مشکلش باز کند. همیشه می گفت که این دنیا محل گذر است و هر چه به دیگران خوبی کنیم توشه آخرت را بسته ایم. بعضی مواقع حتی خودش دستش خالی بود اما برای رفع مشکل دیگران از اعتبارش استفاده می کرد و برایشان وام می گرفت.

پسر با معرفتی بود

مجتبی حرآبادی، پدر شهید تعریف می کند: «پسر با معرفتی بود هر کاری از دستش برمی آمد برای من و مادرش انجام می داد. حواسش به دکان رفتن من و مادرش بود، با همه سرشلوغی ها خودش را به ما می رساند و به دکتر می برد. همیشه وقتی به خانه ما می آمد دست ما را می بوسید و می گفت دستانتان بوی بهشت می دهد. پای مادرش را می بوسید و می گفت هر کسی پای مادر را بوسد شهادت نصیبش می شود. چون مستاجر بودیم، دغدغه اجاره بها و هزینه های روزانه ما را داشت. بخشی از کرایه خانه را می پرداخت و سعی می کرد با دست پر به خانه ما بیاید. به مادرش می گفت هر چه می خواهی برابم بنویس تا تهیه کنم. از وقتی بچه بود یکبار به یاد ندادم که حتی صدایش را برای ما بالا برده باشد. پیش می آمد به عنوان پدر بعضی مواقع از او ناراحت می شدم و دعوایش می کردم، اما احمد حتی سرش را هم بلند نمی کرد و فقط می گفت چشم هر چه شما بگویید.»

شوخ طبع و مهربانی بود

بین همکارانش به مهربانی و شوخ طبعی معروف بود. همه می دانستند که احمد عاشق شهادت است. می گفتند جای تعجب ندارد؛ کسی که از آسالمی ذوق بسیجی بودن داشته، این علاقه به شهادت هم برازندش است. وقتی با دوستانش به مراسم مداحی و هیئت می رفت، دلش راضی نمی شد خانواده اش نصیب نرند؛ به خانه که می رسید زن و بچه اش را آماده می کرد تا با یکدیگر به هیئت بروند.

روایت دلدادگی

من و حاج مجتبی به شهادتش افتخار می کنیم. این مسیری بود که از کودکی و نوجوانی انتخاب کرده بود. همیشه حواسش بود که در مراسم نخل گردانی امام حسین (ع) شرکت کند. آروز قبل از شهادتش او را دیده بودم. فردای آن روز هر چه با او تماس گرفتم و پیام فرستادم جوابی ندیدم. دلم آشوب بود. تلفن منزلش هم زنگ می خورد و کسی جواب نمی داد. نمی خواستم باور کنم اتفاقی برای احمد افتاده تا اینکه صبح دوشنبه خبر شهادتش رسید.